





سرشناسه	: عابدین زاده، احمد، ۱۳۵۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: گامی در شناخت شب قدر/نویسنده احمد عابدین زاده.
مشخصات نشر	: قم: مؤسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۲ ص:؛ ۵/۱۴×۵/۲۱ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۴۲-۶۸-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	: شب قدر
موضوع	: Laylat al-Qadr
رده بندی کنگره	: ۶۴/BP۲۵۹
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۷۳۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۹۸۹۳۹۵

گامی در شناخت شب قدر

نویسنده: احمد عابدین زاده



نشر اشراق و عرفان



گامی در شناخت شب قدر

احمد عابدین زاده

ناشر..... مؤسسه اشراق و عرفان
ویراستار..... علی اکبریان
امور هنری..... حمید بهرامی
نوبت و تاریخ چاپ..... اول/زمستان ۱۴۰۳
لیتوگرافی، چاپ و صحافی..... چاپ هوشنگی
شمارگان..... ۵۰۰ نسخه

کلیه حقوق برای مؤسسه اشراق و عرفان محفوظ است

ISBN: 978-600-8542-68-1

www.eshragh-erfan.com

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۸۵۴۰

info@eshragh-erfan.com

نمابر: ۰۲۵-۳۷۷۴۸۵۴۱

آدرس: ایران، قم، خیابان معلم، معلم ۸، کوچه شهید محقق، پلاک ۵۹

فهرست

سخن آغازین ۹

مرحله اول: مفهوم شب قدر/۱۳

- الف) معنای لغوی و کاربرد قرآنی «قدر» ۱۳
- ب) دلیل نام‌گذاری شب قدر ۱۵
- ج) منشأ عظمت شب قدر ۱۹
- د) حقیقت شب قدر ۲۵

مرحله دوم: ویژگی‌ها و رخداد‌های مهم شب قدر/۳۱

- الف) ویژگی‌ها ۳۱
۱. برتر بودن از هزار ماه ۱۳
- یکم. برتر بودن ارزش اعمال در آن شب ۳۲
- دوم. برتر بودن از حکومت هزار ماهه بنی‌امیه ۳۴
۲. مبارک بودن ۳۶
۳. سلامت شب قدر ۳۷

۴. ویژگی های دیگر..... ۴۱
- ب) رخدادها..... ۴۲
۱. نزول قرآن کریم..... ۴۲
- دیدگاه ها درباره چگونگی انزال قرآن در شب قدر..... ۳۴
۲. تقدیر امور سال آینده ۵۳
- یکم. رابطه تقدیر امور با اختیار انسان ۸۵
- دوم. تغییر مقدرات ۲۶
۳. فروآمدن فرشتگان ۶۳
- یکم. مجرد یا مادی بودن فرشتگان ۳۶
- دوم. معنای نزول فرشتگان ۴۶
- سوم. محل و مأموریت نزول ۵۶
۴. بخشیده شدن گناهان ۶۹

مرحله سوم: مسائل پیرامون شب قدر/ ۷۳

- الف) زمان شب قدر..... ۷۳
۱. شب قدر قبل از اسلام ۷۳
۲. شب قدر بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۷۷
- تاریخ شب قدر در روایات ۵۸
- تأثیر اختلاف آفاق در تاریخ شب قدر..... ۷۸
۴. روز قدر..... ۹۱
- ب) چیستی روح..... ۹۲
۱. مفهوم شناسی روح..... ۹۲
۲. چیستی روح نازل در شب قدر..... ۹۴

ج) نقش ائمه علیهم السلام در شب قدر.....	۱۰۲
۱. ضرورت شناخت امام.....	۱۰۳
۲. تعریف امام.....	۱۰۵
۳. مصداق بودن ائمه علیهم السلام برای حقیقت شب قدر.....	۱۰۷
مصداق بودن حضرت فاطمه زهرا علیها السلام برای حقیقت شب قدر.....	۸۰۱
۴. ابلاغ امور سال آینده بر امام علیه السلام در شب قدر.....	۱۱۰
د) نگاه کلی به اعمال شب قدر.....	۱۱۲
۱. تفکر.....	۱۱۴
۲. فعالیت علمی.....	۱۱۷
۳. برنامه ریزی برای سال آینده.....	۱۲۰
۴. انس با قرآن.....	۱۲۰
۵. توبه و دعا.....	۱۲۲
۶. توسل به اهل بیت علیهم السلام	۱۲۴
فهرست منابع.....	۱۲۵

سخن آغازین

سپاس بی پایان خدایی را که انسان را پویا آفرید و به او توان حرکت داد، حرکت از هیچ بودن به سوی ابدیت بی انتها؛ خدایی که به انسان راه تکامل را نشان داد و بهترین بندگان را برای راهنمایی او فرستاد؛ پیامبران، امامان و اولیایی که وجودشان را در راه هدایت انسان هزینه کردند. سلام و صلوات خدا بر ایشان، به ویژه خاتم پیامبران حضرت محمد ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام.

زندگی فرصتی است برای رسیدن به لذت ابدی؛ فرصتی که در آن، انسان عاقل نیازهای ابدی اش را فراهم و خود را برای استقرار در دنیای ابدی آماده می کند.^۱ زندگی فرصتی گذرا و نیازمند اغتنام است^۲؛ باید برای آن برنامه ریزی کرد و از دقایقش به بهترین وجه بهره برد. بدون شناخت، استفاده درست

۱. امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارٌ مَجَازٍ وَالْآخِرَةُ دَارٌ قَرَارٍ فَخُذُوا مِنْ مَمَرِكُمْ لِمَقَرِّكُمْ؛ ای مردم! دنیا محل عبور است و آخرت محل سکون، پس از گذرگاهتان برای سکونتگاهتان توشه جمع کنید.» (محمد بن حسین موسوی (شریف رضی)، نهج البلاغه، ص ۳۲۰، خطبه ۲۰۳)

۲. امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ، فَاَنْتَهَظُوا فُرْصَ الْخَيْرِ؛ فرصت همانند ابر می گذرد، پس فرصت های خوب را غنیمت شمارید.» (محمد بن حسین موسوی (شریف رضی)، نهج البلاغه، ص ۶۵۴، حکمت ۲۱)

ممکن نیست و عمل بدون علم، راه رفتن در بیراهه است که راهرو هرچه بیشتر رود، از مقصد دورتر می‌شود.^۱ این فرصت از آناتی تشکیل شده است که بعضی از آن‌ها ویژه‌اند. از جمله این فرصت‌ها شب قدر است؛ شبی بهتر از هزار ماه؛^۲ شبی که در آن می‌توان راه صدساله را یک‌شبه پیمود. اهمیت چنین فرصت بزرگی هویدا است و باید آن را مغتنم شمرد و قدرش را دانست. این امر به شناخت نیاز دارد. با شناخت بهتر، امکان بهره‌مندی نیز بیشتر خواهد بود. چنین ضرورتی ما را به نوشتن این نوشتار واداشته است تا شاید به کمک پروردگار متعال و با استفاده از آیات الهی و روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام و سخنان اندیشمندان بزرگ، گامی کوچک در شناسایی این فرصت بزرگ برداشته باشیم. امید که مورد رضای حق تعالی و استفاده خوانندگان محترم قرار گیرد.

ناگفته نماند که «شب قدر» موضوعی است که در کلام وحی آمده و لذا موضوعی قرآنی-روایی شمرده می‌شود؛ از این رو در پژوهش حاضر، غالباً به آیات قرآن و روایات استدلال شده است؛ هرچند به تناسب موضوع و جهت بحث، گاهی به نظرات عرفا و بحث‌های کلامی نیز اشاره شده است؛ در ضمن برای بهره‌مندی خوانندگانی که با متون عربی آشنایی ندارند، ترجمه آیات و روایات در پاورقی آمده است.

این کتاب در سه مرحله تنظیم شده است: مرحله اول، به بررسی مفهوم «شب قدر» اختصاص دارد؛ مرحله دوم، «ویژگی‌ها و رخداد‌های آن» را بیان

۱. «فَإِنَّ الْعَامِلَ بَغَيْرِ عِلْمٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ طَرِيقٍ فَلَا يَزِيدُهُ بُعْدُهُ عَنِ الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ إِلَّا بُعْدًا مِنْ حَاجَتِهِ؛ عامل بدون علم، مانند کسی است که در بیراهه می‌رود و هرچه بیشتر راه رود از مقصدش دورتر می‌شود.» (محمد بن حسین موسوی (شریف رضی)، نهج البلاغه، ص ۲۱۵، خطبه ۱۵۴)

۲. «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ؛ شب قدر برتر از هزار ماه است. (قدر (۹۷)، ۳)

می‌کند؛ و در نهایت، مرحله سوم، «مسائلی پیرامون شب قدر و رویدادهای آن» را مطرح می‌نماید.

بر خود لازم می‌دانم که از همه عزیزانی که به تکمیل کتاب کمک کردند، تشکر کنم؛ آقای دکتر محمد آزادی که کتاب را ارزیابی کرده و نکات ارزشمندی یادآوری نمود؛ و حجج اسلام دکتر احمد شهاخت، سید علی یحیی‌زاده و محسن پوراکبر که نکاتی در اصلاح کتاب یادآوری کردند؛ همچنین از دوستانی که در مؤسسه اشراق و عرفان برای چاپ این اثر زحمت کشیدند، از جمله آقای علی اکبریان (ویراستار)، آقای حمید بهرامی (صفحه‌آرا) و حجت‌الاسلام دکتر سیدنقی موسوی (مدیر محترم مؤسسه) تشکر می‌نمایم.

بی‌تردید این نوشتار مانند بیشتر کارهای بشری عاری از اشکال نیست؛ لذا پیشاپیش از خوانندگان محترم از بابت اشکالات عذرخواهی و از ایشان برای یادآوری اشکالات درخواست یاری می‌کنم.

احمد عابدین زاده

مرحله اول: مفهوم شب قدر

در این فصل برای آشنایی با مفهوم شب قدر، نخست معنای آن را در کتاب‌های لغت و کاربردهای قرآنی یادآور می‌شویم؛ بعد از آن، دلیل نام‌گذاری آن را بررسی، سپس منشأ عظمت آن شب را واکاوی و در نهایت به نظرات عرفا درباره حقیقت شب قدر اشاره می‌کنیم.

الف) معنای لغوی و کاربرد قرآنی «قدر»

«قدر» در لغت به معنای اندازه^۱، قوت^۲، قضا^۳ و وسط^۴ است. احتمالاً

۱. «وَالْقَدْرُ: مَبْلَغُ الشَّيْءِ.» (خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۵، ص ۱۱۲)؛ «وَقَدْرُ الشَّيْءِ: مَبْلَغُهُ.» (اسماعیل بن عباد (کافی الکفاة)، المحيط فی اللغة، ج ۵، ص ۳۴۰؛ اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۷۸۶)؛ «القاف و الدال و الراء أصلٌ صحيح يدلُّ على مَبْلَغِ الشَّيْءِ و كُنْهه و نهايته. فالْقَدْرُ: مَبْلَغُ كُلِّ شَيْءٍ.» (احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقائیس اللغة، ج ۵، ص ۶۲)
۲. «وَالْقَدْرُ، وَ الْقُدْرَةُ، وَ الْمِقْدَارُ: الْقُوَّةُ.» (علی بن اسماعیل (ابن سیده)، المحکم و المحيط الأعظم، ج ۶، ص ۳۰۲)

۳. «وَالْقَدْرُ أَيْضًا: الْقَضَاءُ.» (نشوان بن سعید حمیری، شمس العلوم و دواء الکلوب، ج ۸، ص ۵۳۹۰)؛ «وَالْقَدْرُ: قَضَاءُ اللَّهِ تَعَالَى الْأَشْيَاءِ عَلَى مَبَالِغِهَا وَ نَهَايَاتِهَا الَّتِي أَرَادَهَا لَهَا، وَ هُوَ الْقَدْرُ أَيْضًا.» (احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقائیس اللغة، ج ۵، ص ۶۲)

۴. «وَالْقَدْرُ: الْوَسْطُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ.» (نشوان بن سعید حمیری، شمس العلوم و دواء الکلوب، ج ۸، ص ۵۳۹۰)

سه معنای اخیر به معنای اول برمی‌گردند. ماده «قدر» در قرآن کریم در معنای ذیل به کار رفته است:

۱. اندازه: مانند کلمه «قدراً» در آیه شریفه ﴿قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾^۱

۲. قدرت: مانند کلمه «قدیر» در آیه شریفه ﴿إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرٌ﴾^۲

۳. تنگی و محدودیت: مانند «یقدر» در آیه شریفه ﴿يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ

يَشَاءُ وَيَقْدِرُ﴾^۳. با توجه به این که فعل «قدر» در آیه شریفه، در مقابل

«بسط» به معنای گستردگی^۴ واقع شده است، معنای آن قبض (تنگی و

محدودیت) می‌شود.

۴. شأن و عظمت: مانند «قدر» در آیه شریفه ﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ

قَدْرِهِ﴾^{۵،۶}

احتمالاً هر سه معنای اخیر به معنای اول برمی‌گردند؛ زیرا در معنای دوم

قدرت بر یک امر به معنای رساندن آن به حد و اندازه مطلوب می‌باشد.^۷

معنای سوم (تنگی و محدودیت) نیز به این معناست که روزی شخص به

۱. «خداوند برای هر چیزی اندازه مناسب قرار داده است.» (طلاق (۶۵)، ۳)

۲. «خداوند بر همه چیز قادر است.» (بقره (۲)، ۲۰)

۳. «هر که را بخواهد روزی اش را زیاد می‌کند و بر هر که بخواهد روزی را تنگ می‌کند.» (روم

(۳۰)، ۳۷)

۴. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۷، ص ۲۱۷؛ احمد بن فارس بن زکریا، معجم

مقائیس اللغة، ج ۱، ص ۲۴۷.

۵. «خداوند تعالی را در حد عظمتش تعظیم نکردند.» (انعام (۶)، ۹۱)

۶. «قال المفسرون: ما عَظَّمُوا اللَّهَ حَقَّ عَظَمَتِهِ. و هذا صحيح، و تلخيصه أنهم لم يصفوه بصفته

التي تَنبَغِي له تعالى.» (احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقائیس اللغة، ج ۵، ص ۶۳)

۷. «و قُدْرَةُ اللَّهِ تعالى على خلقته: إيتاؤهم بالمبلغ الذي يشاءه و يريده» (احمد بن فارس بن

زکریا، معجم مقائیس اللغة، ج ۵، ص ۶۳)

اندازه کم قرار داده شده است^۱ و معنای چهارم (شان و عظمت) از اندازه معنوی نامحدود خداوند تعالی حکایت می‌کند.

ب) دلیل نام‌گذاری شب قدر

اولین سؤالی که در مواجهه با شب قدر، به ذهن می‌رسد دلیل نام‌گذاری آن به شب قدر است. برای دریافت پاسخ این سؤال، لازم است احتمالات گوناگون درباره دلیل نام‌گذاری آن را بررسی نماییم. درباره دلیل نام‌گذاری شب قدر به این نام، اقوالی مطرح شده است^۲ که بعضی از آن‌ها عبارت‌اند از: ۱. تقدیر اعمال و حوادث سال آینده: بیشتر مفسران مانند علی بن ابراهیم قمی، طبری، فیض کاشانی رحمته الله و علامه طباطبایی رحمته الله دلیل نام‌گذاری شب قدر را تقدیر حوادث سال بعد در این شب دانسته‌اند؛^۳ زیرا طبق بعضی از آیات و روایات، در این شب خداوند تعالی حوادث سال آینده را تا شب قدر بعدی تقدیر می‌کند. آیه شریفه ﴿فِيهَا يَفْرُقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ أَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ﴾^۴ این احتمال را تأیید می‌کند؛ چون کلمه «فرق» به معنای جداسازی و مشخص کردن دو چیز از یکدیگر است، و «فرق هر امر حکیم» معنایش این است که آن امر و آن واقعه‌ای که باید

۱. «و قوله تعالى: ﴿وَمَنْ قُدِّرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ﴾ (طلاق (۶۵)، ۷) بمعناه قُتِرَ. و قیاسه أَنَّهُ أُعْطِيَ ذَلِكَ بِقَدْرِ يَسِيرٍ» (احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۶۳)

۲. محمد بن عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، ج ۳۲، ص ۲۲۹؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۷۸۶.

۳. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۳۱؛ محمد بن جریر طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳۰، ص ۱۶۶؛ سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۳۳۱؛ محمد محسن بن شاه مرتضی (فیض کاشانی)، تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۳۵۱.

۴. «در آن شب هر حادثه‌ای که باید واقع شود، خصوصیاتش مشخص و محدود می‌گردد؛ این امری است تخلف‌ناپذیر؛ امری است از ناحیه ما که این ماییم فرستنده رحمتی از ناحیه پروردگارت.» (دخان (۴۴)، ۶)

رخ دهد را با تقدیر و اندازه‌گیری مشخص سازند. در روایت معتبری از امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه آمده است:

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدْنَةَ عَنْ الْفَضِيلِ وَ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ حُمْرَانَ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ﴾ قَالَ: ... قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾ قَالَ: يُقَدَّرُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ كُلُّ شَيْءٍ يَكُونُ فِي تِلْكَ السَّنَةِ إِلَى مِثْلِهَا مِنْ قَابِلٍ خَيْرٍ وَ شَرٍّ وَ طَاعَةٍ وَ مَعْصِيَةٍ وَ مَوْلُودٍ وَ أَجَلٍ أَوْ رِزْقٍ فَمَا قُدِّرَ فِي تِلْكَ السَّنَةِ وَ قُضِيَ فَهُوَ الْمَحْتُومُ وَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهِ الْمَشِيئَةُ»^۱

طبق روایت در شب قدر حوادث سال تا شب قدر بعدی تقدیر می‌شود. با وجود این‌که آیه شریفه و روایت فوق بر تقدیر اعمال در شب قدر دلالت می‌کنند، نمی‌توان نتیجه گرفت که این امر دلیل نام‌گذاری شب قدر است؛ زیرا این آیه و روایت به دلیل بودن تقدیر اعمال و حوادث برای نام‌گذاری تصریح نکرده‌اند و چه بسا انگیزه‌های دیگری غیر از تقدیر اتفاقات سال بعد، در نام‌گذاری این شب دخالت داشته باشند؛ چنان‌که مفسران احتمالات دیگری نیز برای آن بیان کرده‌اند.

البته در روایت دیگری آمده است:

«حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى رحمته الله قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنُ

۱. «حمران بن اعین از امام باقر علیه السلام درباره آیه ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ﴾ سؤال کرد و حضرت فرمود: ... خداوند عزَّ و جلَّ فرمود: در آن شب مبارک هر امر محکمی تقسیم می‌شود. امام علیه السلام فرمود: در شب قدر هر چه در سال آینده تا شب قدر دیگر از خوبی و بدی و اطاعت و عصیان و زایش و مرگ و رزق اتفاق می‌افتد، مقدر می‌شود و هر آنچه در آن سال مقدر و حکم شود، حتمی است و خدای عزَّ و جلَّ در آن دارای اراده است.» (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۶۲۴ و ۶۲۵، کتاب الصیام، ابواب السفر، باب ۶۸ (باب فی لیلۃ القدر)، حدیث ۶؛ محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۵۸)

زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ بْنِ بَسَّامٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي السَّرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُونُسَ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ الْكِنَانِيِّ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَا عَلِيُّ أَتَدْرِي مَا مَعْنَى لَيْلَةِ الْقَدْرِ؟ فَقُلْتُ: لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدَّرَ فِيهَا مَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَكَانَ فِيهَا قَدَرٌ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا يُتَنَكَّ وَوَلَا يَهُ الْأَيْمَةُ مِنْ وَلَدِكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.»^۱

این روایت با وجود اینکه دلالت صریحی بر دلیل بودن تقدیر امور در شب قدر برای نام گذاری آن دارد، به جهت ضعف سندی قابل استناد نیست؛ زیرا بعضی از راویان آن مانند محمد بن عباس بن بسام و محمد بن ابی السری ناشناخته اند.

با دقت در ادله فوق، هیچ یک از آن ها دلیل مناسبی برای نام گذاری شب قدر نیستند؛ اما احتمال این وجه تسمیه را تقویت می کنند.

۲. عظمت و شرف شب قدر: یکی دیگر از دلایلی که برای نام گذاری شب قدر بیان شده، عظمت و شرف آن شب، نسبت به شب های دیگر است.^۲ ممکن است برای این احتمال به آیات پیش رو تمسک شود: آیه ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ﴾^۳ کنایه از عظمت شب قدر است به اندازه ای که قابل درک نیست؛

۱. «اصبغ بن نباته گوید که امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به من فرمود: ای علی! می دانی معنای شب قدر چیست؟ گفتم: نه ای پیامبر خدا. پس حضرت فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی در آن شب هر اتفاقی را که تا قیامت اتفاق می افتد، تقدیر کرد و در آنچه خواند عز و جل تقدیر نمود، ولایت تو ولایت امامان دیگر از فرزندان تو است تا قیامت.» (محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، معانی الأخبار، ص ۳۱۵)

۲. سید روح الله موسوی (امام خمینی)، آداب الصلوة، ص ۳۲؛ سید محمدحسین فضل الله، من وحی القرآن، ج ۲، ص ۳۵۱.

۳. «و تو چه دانی شب قدر چیست؟» (قدر (۹۷)، ۲)

آیه ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾^۱ بیانگر برتری این شب بر هزار ماه می باشد؛

آیه ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ﴾^۲ شب قدر را با عنوان شب بسیار بابرکت ذکر می کند که بیانگر عظمت آن است. این آیه شبیه آیه ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾^۳ می باشد که در آن به جای «لَيْلَةُ مُبَارَكَةٍ»، «لَيْلَةُ الْقَدْرِ» آمده و گویا قدر به معنای مبارک است. با این حال تفاوت ترکیب این دو عبارت، این شباهت را تضعیف می کند؛ زیرا ترکیب «لَيْلَةُ مُبَارَكَةٍ» وصفی و ترکیب «لَيْلَةُ الْقَدْرِ» اضافی است.

با وجود شواهد مذکور برای دلیل بودن عظمت شب قدر برای نام گذاری آن، هیچ کدام دلالت کاملی بر این امر ندارند؛ زیرا با وجود این که آیات به عظمت این شب دلالت می کنند، صرف عظمت داشتن دلیل نام گذاری آن نمی شود.

۳. هردو امر: در یک احتمال دیگر ممکن است گفته شود که هردو امر باهم در نام گذاری شب قدر دخالت دارند و این امر بعیدی نیست و در نام گذاری های عرفی نیز گاهی یک شیء را به مناسبت های مختلف نام گذاری می کنند.

۴. تنگی زمین به جهت حضور ملائکه؛ بر اساس این قول، چون در این شب زمین به جهت حضور فرشتگان تنگ می شود و یکی از موارد کاربرد کلمه «قدر» تنگی است، به این شب، شب قدر گفته شده است. شیخ طبرسی و فخر رازی این قول را در شمار اقوال با عبارت «قیل» بیان کرده اند.^۴ این

۱. «شب قدر از هزار شب بهتر است.» (قدر (۹۷)، ۳)

۲. «ما قرآن را در شب مبارک نازل کردیم.» (دخان (۴۴)، ۳)

۳. «همانا ما قرآن را در شب قدر فرو فرستادیم.» (قدر (۹۷)، ۱)

۴. محمد بن عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، ج ۱۱، ص ۲۲۹؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۷۸۶.

وجه پذیرفتنی نیست؛ چون فرشتگان موجوداتی مادی همانند انسان نیستند که مکان اشغال کنند. آن‌ها یا مجردند یا جسمانی برزخی که آن هم خواص ماده را ندارد و مکان اشغال نمی‌کند. حضور آن‌ها به معنای تمثیل است، همان‌گونه که طبق آیه شریفه ﴿فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا﴾^۱ حضور حضرت جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام نزد حضرت مریم عَلَيْهَا السَّلَام به صورت تمثیل بود.

امام خمینی رحمته الله علیه درباره این نظر می‌فرماید:

«این وجه گرچه بعید است، ... آنچه مورد بحث توان بود آن است که ملائکه الله از سنخ عالم طبیعت و مادیت نیستند؛ پس معنای تنگی زمین چیست؟ بدان که نظیر این مطلب در روایات شریفه وارد شده است، مثل قضیه تشییع سعد بن معاذ رضی الله عنه، و مثل فرش نمودن ملائکه بال‌های خود را برای طالب علم. و این یا از باب تمثیل ملائکه است به صور مثالیه و تنزل آن‌ها است از عالم غیب به عالم مثال و تضییق ملکوت ارض است، یا تمثیل ملکی آن‌ها است در ملک ارض، گرچه باز این تمثیل را چشم‌های طبیعی حیوانی نبینند. بالجمله، تضییق به اعتبار تمثیلات «مثالیه» یا «ملکیه» است.»^۲

نظر منتخب: با بررسی اقوال مذکور در علت نام‌گذاری شب قدر، به این نتیجه می‌رسیم که دلیل تامی برای تعیین یکی از آن‌ها وجود ندارد و احتمال دلیل بودن تقدیر اعمال و حوادث، عظمت شب قدر یا هردو وجود دارد، با این حال به جهت تمایل بیشتر مفسران به نظر اول، این احتمال ارجحیت دارد.

ج) منشأ عظمت شب قدر

در بررسی دلیل نام‌گذاری شب قدر، دانسته شد که این شب، دارای

۱. «و ما روح خود را نزدش فرستادیم و چون انسانی تمام بر او نمودار شد.» (مریم (۱۹)، ۱۷)

۲. سید روح الله موسوی (امام خمینی)، آداب الصلوة، ص ۳۲۸.

عظمت و شرافت است. درباره منشأ عظمت و برتری این شب، احتمالات مختلفی ذکر شده است که برخی از آن‌ها به قرار ذیل‌اند:

۱. آن شب در ذات خود چنین عظمتی دارد و عظمتش را از چیز دیگری نگرفته است؛^۱ یعنی شب قدر، زمانی است که آن زمان در ذات خود و بدون توجه به حوادثی که در آن رخ می‌دهد، دارای عظمت است. ظاهر ابتدایی آیه شریفه ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ﴾^۲ همین معنا را تأیید می‌کند؛ چون برکت را صفتی برای خود شب می‌خواند. ممکن است گفته شود که شرافت ذاتی برای جزئی از زمان ممکن نیست؛ چون زمان و مکان یک حقیقت و بلکه یک شخصیت دارند و شخص واحد نمی‌تواند احکام مختلف داشته باشد. اما این اشکال وارد نیست؛ زیرا که شخص واحد هم، با توجه به جهات متعددش می‌تواند احکام مختلف داشته باشد. چنان‌که یک انسان از نظر جسمی دارای اعضای گوناگونی مثل پوست، استخوان، قلب و ... است که از هم متفاوت‌اند و شرافت یکی از دیگری بیشتر است.^۳

۲. عظمت از آن شخص مطیع و کسی است که در آن شب به عبادت پردازد؛ به سخن دیگر، کسی که در آن شب اعمال مخصوص آن را بجا آورد، عظمت پیدا می‌کند.^۴

۳. عظمت از آن اعمال آن شب است. ثواب اعمال در آن شب به مراتب

۱. همان، ص ۳۲؛ محمدحسین فضل‌الله، من وحی القرآن، ج ۲، ص ۳۵۱.

۲. دخان (۴۴)، ۳.

۳. ر.ک: سید روح‌الله موسوی (امام خمینی)، آداب الصلوة، ص ۳۲۵.

۴. ر.ک: محمد بن عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، ج ۳۲، ص ۲۲۹؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۷۸۶؛ سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۳۳۲.